

لازمه پایان دادن به قتل‌های ناموسی و خشونت علیه زنان تغییر ساختار سیاسی و قوانین کشور است!

یکشنبه، 21 ژوئن 2020 - 10:45

لازمه پایان دادن به قتل

های ناموسی و

خشونت علیه زنان

تغییر ساختار سیاسی

و قوانین کشور است!

طی یکماه گذشته ایران

شاهد پنج قتل ناموسی

بوده است. دختران و زنان

جوانی که توسط پدر،

شوهر، برادر به دلایل



ناموس پرستانه به قتل رسیده اند و جامعه از این قتل‌ها و نحوه برخورد قوانین و مسئولین نظام نسبت به آن در شوکی بزرگ فرو رفته است. رومینا اشرفی ۱۴ ساله و ریحانه عامری ۲۲ ساله توسط پدرانشان به دلیل نوع انتخابشان در زندگی و فاطمه برخی ۱۹ ساله توسط شوهر به جرم خیانت و در تازه‌ترین موارد زنی در آبادان به همان جرم توسط برادرش و زنی دیگر ۱۸ ساله به دست پدر، برادر و دیگر اعضا خانواده به قتل رسیده‌اند. این نه نخستین و نه آخرین مورد قتل‌های ناموسی در ایران است؛ نه خشونت ناموسی تنها به قتل‌های ناموسی خلاصه می‌شوند؛ این گونه قتل‌ها بیشتر در میان مردم به لحاظ فرهنگی توسعه نیافته برخی کشورها مشاهده می‌شود. پیش از این قتل‌های ناموسی زنجیره‌ای شاهد اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در کشور علیه زنان که از ریشه‌های مشترکی برخوردار است، بوده‌ایم. قتل‌های ناموسی جلوه‌ای عریان و خشن از هنجارها و ساختارهای مردسالار، سنتی و زن ستیزانه‌ای است که زنان را ملک مردان می‌بیند که هر طور که خود صلاح می‌بیند با آن رفتار کنند. در تحقیقات صورت گرفته در میان قاتلان علاوه بر عوامل گفته شده، عواملی چون وابستگی به قبیله، خرده‌فرهنگ خشونت، نگرش به زن و حمایت بزرگان عشیره از این قتل‌ها اثرگذار بوده‌است.

ابعاد قتل‌های ناموسی در ایران بسیار گسترده است. به گونه‌ای که بنا برمنابع آماری و اظهارات مسئولان کشور قتل‌های ناموسی نزدیک به ۲۰ درصد از کل خشونت‌های کشور را در سالیان اخیر تشکیل داده‌اند. برای نمونه، اردیبهشت سال ۱۳۹۳ هادی مصطفایی، معاون وقت مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی گفته بود که حدود ۱۹ درصد قتل‌ها در کشور با انگیزه ناموسی صورت می‌گیرد. به گفته او حدود ۶۲ درصد مقتولان زن به دست بستگانشان" به قتل رسیده‌اند. بنا برآمارهای منتشر شده رسمی قتل‌های

ناموسی در برخی از مناطق از این میزان نیز بیشتر بوده و برای نمونه در سال ۱۳۸۸ در اهواز ۲۵ درصد قتل‌های گزارش شده با انگیزه‌های ناموسی رخ داده است. استان‌هایی چون خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، فارس، آذربایجان شرقی و اردبیل بیشترین آمار قتل‌های ناموسی در ایران را دارند.

قربانیان قتل‌ها و خشونت ناموسی که بخش کوچکی از خشونت علیه زنان و اقلیت‌های جنسی در ایران به شمار می‌رود، نه تنها از هیچ حمایت قانونی برخوردار نیستند، بلکه برخی از قوانین و رفتار مسئولین قضایی و جنایی علنا زمینه مشروعیت و گسترش این خشونت‌ها را فراهم کرده است.

برای نمونه بنا بر ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، «هرگاه مرد همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره (مجبور) باشد فقط می‌تواند مرد را به قتل برساند». همچنین ماده ۲۲۰ و دیگر بندهای این قانون مجازات مواردی که قاتل، پدر یا جد پدری دختر باشند، را تخفیف داده و در صورت صلاحدید قاضی حتی پدر قاتل می‌تواند یکسره از مجازات معاف شود. تبعیض‌های ساختاری علیه زنان تنها به این قوانین محدود نیستند.

ما چهار جریان جمهوری خواه سکولار دمکرات ضمن محکوم کردن قتل‌های ناموسی و هرگونه خشونت و تبعیض جنسیتی علیه زنان اشکال را در قوانین کیفری و جزایی و دیگر قوانین زن‌ستیزانه و مغایر با حقوق زنان در جمهوری اسلامی می‌بینیم. از جمله می‌بایست قوانین و لوایحی در ایران در راستای تامین امنیت زنان در برابر خشونت تصویب شود. خشونت و قتل‌های ناموسی جرم شناخته شود و هر نوع تخفیفی نسبت به آن ملغی شود. همچنین ضمن لغو مجازات اعدام، جرائم مرتبط با خشونت‌های ناموسی و دیگر اشکال خشونت علیه زنان با مجازات‌های سنگین‌تری روبرو شوند. امکانات قانونی و عملی برای خروج زنان و دختران از خانه‌ها و پناه گرفتن در خانه‌های امن زنان در صورت روبرو شدن با خشونت خانگی و ناموسی فراهم شده و گسترش یابد. ایران با پیوستن به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان سازمان ملل، می‌بایست قوانین داخلی خود را براساس آن تنظیم کند. همچنین می‌بایست حقوق زنان در خانواده و بازار کار و اجتماع بهبود یابد و مبارزه با خشونت علیه زنان به بخشی از نظام آموزشی کشور و کلیه نهادهای اجرایی بدل شود. ضرورت دارد فرهنگ‌سازی نیز در این خصوص از سوی نیروهای مدنی، سازمان‌های مردم - بنیاد و کارشناسان انجام شود.

به نظر ما تحول بنیادی در قوانین ایران به سود زنان با توجه به ساختار و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در گرو تغییر در نظام سیاسی کشور و استقرار سکولار دمکراسی و تغییر بنیادین مناسبانی است که مدافع و عامل تشدید فرودستی زنان است. همچنین، لازمه پایان دادن به خشونت ناموسی و خشونت علیه زنان علاوه بر تغییر در قوانین در گرو بهبود همه جانبه موقعیت زنان و تقویت منابع قدرت‌شان در عرصه‌های گوناگون، رفع تبعیض جنسیتی و تغییر الگوها و فرهنگ مردسالارانه در ایران است. از این رو از همه نهادهای ایرانی و بین المللی حقوق بشری، حقوق زنان می‌خواهیم به جمهوری اسلامی فشار وارد آوردند تا به تغییر قوانین در راستای تامین امنیت زنان علیه خشونت‌های ناموسی و دیگر اشکال خشونت تن در دهد.

هیئت‌های سیاسی - اجرایی

اتحاد جمهوری خواهان ایران

حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج از کشور

همبستگی جمهوری خواهان ایران

اول تیر ۱۳۹۹ (۲۱ ژوئن ۲۰۲۰)

رونوشت: به رسانه ها

آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل

میشل باچله، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

دوبروکا سمینوویچ، گزارشگر ویژه درباره خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن.

اعلامیه